

## پاسخ به مسائل شرعی

دفتر حضرت آية الله العظمى صانعی مدظلہ العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷-۷۷۴۴۰۱۰-۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۰-۷۸۳۱۶۶۱-۷۸۳۱۶۶۲

نمبر: ۰۲۵۱-۷۷۳۵۰۸۰

نشانی: پل حجیہ، خیابان شهید محمد منتظری، کورجہ ۸، پلاک ۴

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۱۰۰۰۲-۲۲۲۲۷۷-۲۲۵۱۱۵۲

نمبر: ۰۵۱۱-۲۲۲۲۷۷

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۰-۴۴۸۷۶۶۱-۴۴۸۷۶۶۲

نمبر: ۰۳۱۱-۴۴۶۳۳۹۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۲۲۲۹۴-۲۲۲۲۹۸-۲۲۲۳۳۳۴

نمبر: ۰۷۱۱-۲۲۲۶۷۰۰

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۲۰۰-۲۲۷۲۳۰۰

نمبر: ۰۸۶۱-۲۲۵۹۷۷۷

[www.saanei.org](http://www.saanei.org)

آدرس اینترنت:

[Istifta @ saanei.org](mailto:Istifta@saanei.org)

پست الکترونیک:

پاسخ به استفتائات

[Saanei @ saanei.org](mailto:Saanei@saanei.org)

تماس با دفتر معظم له

[Info @ saanei.org](mailto:Info@saanei.org)

نهیة کتاب

فقه و زندگی

## ربای تولیدی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر  
حضرت آیه‌الله العظمی صانعی مدظله العالی

۱۳۸۳

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -

ربای تولیدی: برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله  
العظمی صانعی مدظله‌العالی / تدوین مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین -  
قم: میثم تمار، ۱۳۸۳.

۴۸ ص: ۱۱ X ۲۲ س.م. - (فقه و زندگی: ۱)

ISBN 964-5598-54-0 (دوره) ۳۰۰۰ ریال

ISBN 964-5598-55-9 (ج. ۱)

فهرستریسی بر اساس اطلاعات فیا.

بشت جلد به انگلیسی:

Productive usury selected from grand Aiatollah sanei's.

Jurisprudential theories

کتابنامه: ص. ۴۸-۴۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. بهره و ربا (فقه)، الف. مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین. ب. عنوان.

۲۹۷/۳۷۲

BP ۱۹۰ / ۶ / ۲۲ ص

۱۷۷۴۲ - ۸۳م

کتابخانه ملی ایران



## ربای تولیدی

برگرفته از نظریات فقهی مرجع عالیقدر  
حضرت آیه‌الله العظمی صانعی مدظله‌العالی

ناشر: انتشارات میثم تمار

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ زیتون

نوبت چاپ: چهارم / تابستان ۱۳۸۴

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۸

صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۷۷۳۲۹۸۲ - نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

Email: m-tammar@noornet.net

## فهرست تفصیلی

۷	مقدمه
۱۷	۱. طرح مسئله
۲۰	۲. انواع ربا
۲۱	۳. مستندات حرمت ربا
۲۱	الف. قرآن
۲۴	ب. روایات
۲۸	۴. رأی ما
۲۸	الف. ربای معاملی
۲۹	ب. ربای قرضی
۳۱	ادله حلیت ربای تولیدی
۳۱	دلیل اول
۳۷	دلیل دوم

- ۴۱ ..... دلیل سوم.
- ۴۱ ..... دلیل چهارم.
- ۴۲ ..... دلیل پنجم.
- ۴۲ ..... دلیل ششم.
- ۴۵ ..... دلیل هفتم.
- ۴۵ ..... دلیل هشتم.
- ۴۷ ..... کتابنامه

## مقدمه

فقه اسلامی که حیات و طراوتش را از قرآن و سنت گرفته، عمر هزار ساله‌اش را مدیون تلاش فقیهان و مجتهدان است و در این زمان طولانی، نه تنها توانسته بر زندگی مسلمانان تأثیرگذار باشد، بلکه هرگاه به دیگر مکتب‌های حقوقی نزدیک شده، اعجاب آنان را برانگیخته است.

حیات و طراوت فقه، در گرو اجتهاد زنده و پویا و واقع‌نگری فقیهان است. اگر فقیهان، اجتهاد کنند، نه جمود اخباریگری، یعنی تمام توان خود را به کار گیرند و از اکتفا نمودن به پاره‌ای از منابع روایی و فقهی بپرهیزند، که متعارف در فقهای حقیقی و واقعی چنین بوده، بلکه از یک سو در تاریخ یک‌هزار ساله فقه را مطالعه کنند و از دیگر سو، آن را با همه تحولات و فراز و فرودهایش در متن زندگی انسان، حاضر بدانند، روز به روز بر غنا و توسعه فقه اسلامی - شیعی، افزوده می‌گردد.

پرداختن فقیهان به خلأها و نیازها، استفاده از تخصص‌های مؤثر در اجتهاد، تفاوت‌گذاردن

میان تکریم و احترام به شخصیت فقیهان پیشین با نقد افکار و دیدگاه‌های فقهی آنان، پرهیز از فرو رفتن در فروعات نادر و کمیاب، مگر به هنگام ضرورت و استفتا، از عوامل مؤثر در بالندگی و رونق فقه است. امروزه، توسعه دانش و فن‌آوری از یک سو، و گسترش ارتباطات و نزدیک شدن زندگی‌ها به هم، از سوی دیگر، فقه را با پرسش‌هایی جدی مواجه ساخته است و پاره‌ای پاسخ‌ها و احاله به تعبد در تمام زمینه‌ها نیز کفایت نمی‌کند. از این رو، بر فقیهان است که با اجتهاد حقیقی به سمت پاسخ‌های اقماعی بروند و ذهن‌های جستجوگر، حقیقت‌طلب و تشنه (و نه معاند) را سیراب سازد.

ما بر این عقیده‌ایم که فقه اسلامی - شیعی، توان چنین پاسخگویی‌هایی را دارد و می‌تواند از پس همه پرسش‌ها و معضلات برآید؛ لیکن به شرط آن که اصول اجتهاد، به درستی منظور گردد. در این جا به برخی از این اصول که در عمل و اجتهاد بدان پایبندیم و در نوشته‌های خود نیز از آن کاملاً بهره می‌بریم، اشاره می‌کنیم.

۱. فقهای بزرگ اسلام، هماره، قرآن را نخستین منبع فقاہت و اجتهاد می‌دانستند و در استفتاهای فقهی خود از آن غفلت نمی‌ورزیدند. عقیده ما این است که هر چه این اهتمام بیشتر گردد و تعمق و تفکر در

آیات الهی بیشتر شود، اجتهاد و فقاہت، به صواب نزدیک تر خواهد بود و بسیاری از فتاوا و استنباط‌های اجراپذیر و مخالف سهولت و یسر قرآنی از میان خواهد رفت.

قرآن کریم در آیات متعددی به هنگام بیان احکام بر آسانی (یسر) و به تعبیر دیگر، اجراپذیری آن تأکید می‌ورزد. به عنوان نمونه، خداوند در شش آیه از آسان ساختن قرآن به صورت کلی، سخن رفته است:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ<sup>۱</sup>

همچنین راه را نیز آسان کرده است:

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ<sup>۲</sup>

و نیز در تلاوت قرآن<sup>۳</sup> و قربانی کردن در حج<sup>۴</sup> از آسان نمودن سخن رانده است و به صورت قاعده‌ای کلی فرموده است:

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ<sup>۵</sup>

به گمان ما، یسر و عسر، می‌تواند یکی از شاخص‌های ارزیابی و سنجش استنباط‌های فقهی

۱. قمر، آیه ۱۷. نیز ر.ک: قمر، ۲۲، ۲۲ و ۴۰؛ مریم، آیه ۹۷؛ دخان، آیه ۵۸.

۲. عبس، آیه ۲۰.

۳. مزمل، آیه ۲۰.

۴. بقره، آیه ۱۹۶.

۵. بقره، آیه ۱۸۵.



قرار گیرد؛ چرا که این کلام، جاودانه، جامع و برای همگان است و باید به گونه‌ای باشد که ظرفیت پاسخگویی به نیازها را داشته باشد و امکان پذیر کردن این امر با احکام ثانویه و اضطرار و ضرورت، نشان حکمت در تشریح نخواهد بود. پس، احکام الهی در تشریح اولیه‌اش می‌تواند در اکثر ظرفیت‌ها به اجرا درآید و جز در موارد خاص، اندک و نادر، استثنا بر دار نیست. و این، معنای یسر قرآنی در تشریح است.

۲. سنت، دومین سند دین‌شناسی و فقاقت و اجتهاد است. اجتهاد، هیچ‌گاه به انجام نمی‌رسد، مگر آن که فقیه، به درستی روایات و احادیث را بررسی کند؛ لیکن از آن جا که در طول تاریخ اسلام، جعل و وضع در سخنان پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام با انگیزه‌های مختلف صورت پذیرفته، شناسایی این احادیث و بررسی آنها، بخش مهمی از اجتهاد را تشکیل می‌دهد.

در روایتی از رسول خدا آمده است که فرمود:

قد كثرت عليّ الكذابة و ستكثرت، فمن كذب

عليّ متعمداً فليتبوا مقعده من النار...<sup>۱</sup>

دروغ‌زنانِ بر من زیاد شده‌اند و زیادتر

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲۵ (ح ۲) و ج ۵۰، ص ۸۰ (ح ۲۶).

می‌شوند. هر کس به عمد بر من دروغ ببندد،  
جایگاهش از آتش پُر می‌شود.

امام علیه السلام نیز با تعبیرهای گوناگونان بر این امر  
تأکید کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرموده است:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ صَادِقُونَ لَا تَخْلُوَنَّ مِنْ كَذَابٍ  
يَكْذِبُ عَلَيْنَا وَيَسْقُطُ صَدَقَاتُنَا بِكَذِبِهِ عَلَيْنَا  
عِنْدَ النَّاسِ.<sup>۱</sup>

ما خاندان راستگویی هستیم که دروغگویان، بر  
ما دروغ می‌بندند و چهره راستگوی ما را با  
دروغ بستن بر ما، نزد مردم خراب می‌کنند.  
هشام بن حکم می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم  
که فرمود:

لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثًا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ  
وَالسُّنَّةَ أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثِنَا  
الْمُنْقَدِّمَةِ فَإِنَّ الْمَغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ - لَعْنَةُ اللَّهِ - دَسَّ  
فِي كِتَابِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدُثْ بِهَا  
أَبِي، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ  
رَبِّنَا تَعَالَى وَسُنَّةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.<sup>۲</sup>

حدیثی را از جانب ما نپذیرید، مگر آن که با

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۵ (ش ۵۴۹)؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱۷ (ح ۱۲).

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۲ (ش ۴۰۱)؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۸۸ (ح ۹)؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۰ (ح ۶۲ - ۶۴).

قرآن و سنت، سازگار باشد و یا در میان احادیث پیشین ما شاهی بر آن بیاید؛ چرا که مغیره بن سعید - که لعنت خدا بر او باد - احادیثی را در کتب یاران پدرم وارد ساخت که هرگز بر زبان پدرم جاری نشده بود. پس، از خدا پروا کنید و هیچ سخنی را که با کلام پروردگار بزرگ و سنت پیامبر ما محمد ﷺ سازگاری ندارد، به ما نسبت ندهید.

برای شناسایی احادیث جعلی، بهترین راه، نقد محتوایی یا نقد متن است؛ یعنی آنچه پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام به عنوان عرضه اخبار بر قرآن از آن سخن رانده‌اند.

در این روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید که هیچ‌گاه حدیثی را که به ما نسبت می‌دهند، پیش از عرضه بر قرآن و سنت نپذیرید.

در منابع اهل سنت از ابوهریره از پیامبر خدا چنین نقل شده است:

سَيَأْتِيكُمْ عَنِّي أَحَادِيثُ مُخْتَلَفَةٌ فَمَا جَاءَكُمْ مُوَافِقًا لِكِتَابِ اللَّهِ وَ لِسُنَّتِي فَهُوَ مِنِّي وَ مَا جَاءَكُمْ مُخَالَفًا لِكِتَابِ اللَّهِ وَ لِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. ۱

زمانی خواهد آمد که سخنان گونه گون از من  
برایتان گزارش می شود. پس آنچه موافق کتاب  
خدا و سنت من باشد، از من است و آنچه با  
کتاب خدا و سنت من مخالف باشد، از من  
نیست.

روایات بسیار دیگری نیز در این باره موجود است؛  
اما به ذکر همین مقدار، بسنده می کنیم.  
البته در این زمینه، بررسی های سندی و رجالی  
نیز نباید نادیده انگاشته شود. دانش رجال، سهمی  
وافر در ارزیابی صدور و انتساب احادیث دارد؛ ولی  
اکتفا بر آن، به هیچ روی فقیه را از لغزش در استنباط  
خود و افتادن در دامان احادیث ساختگی، باز  
نمی دارد؛ زیرا کسی که به نام راوی مشهور به کذب  
حدیث جعل کند، آن را منتشر نمی سازد، چنان که  
کسی که اسکناس جعل می کند، تلاش می کند رنگ و  
شمایل و ویژگی های اصل را منظور دارد؛ و گرنه  
اسکناس بدلی به سرعت، شناخته می شود.  
به گمان ما، هر چه فقیهان بر نقد محتوایی، یعنی  
عرضه اخبار بر قرآن و نیز منظور داشتن اصول مسلم  
برگرفته از قرآن و حدیث اهتمام ورزند، به اجتهاد  
صائب، نزدیک تر می شوند.

۳. رسول خدا فرمود:

رُبَّ حَامِلٍ فُقِهٍ إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.<sup>۱</sup>

چه بسیار کسانی که فقه را به فقیه‌تر از خود منتقل می‌کنند.

بر پایه این سخن پیامبر ﷺ، تفاوت آرا و دستیابی به فتاوی صائب و صائب‌تر، امری طبیعی است، و یکی از مصادیق گشوده بودن باب اجتهاد، همین امر است. تکریم تلاش فقیهان پیشین در حفظ میراث فقهی، بدان معنا نیست که آنان را در همه برداشتها صائب بدانیم؛ وگرنه می‌باید در غیر مسائل مستحدثه، اجتهاد، بی‌ثمر باشد. از این سنخ است شهرت فقیهان در برداشت، این شهرت می‌تواند قرینه در فهم باشد، ولی هیچ‌گاه دلیل نیست. لذا اگر دلیلی بر خلاف آن اقامه شد، باید از رأی مشهور دست کشید و به مقتضای دلیل، عمل کرد. «شهرت قدما» نیز که فقیهان بزرگی چون آیه الله بروجردی رحمته الله علیه بر آن تأکید می‌ورزیدند، در دریافت و انتقال درست حدیث است؛ یعنی آن‌جا که حدیثی در متون روایی یافت نشود، شهرت قدمایی در «اصول مستلقات (اصل‌های منقول از معصوم)» حکم حدیث را پیدا می‌کند که البته در فهم آن، باید اجتهاد کرد و برداشت از آن باید طبق موازین اجتهادی باشد.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۳ (ح ۱).

۴. فقه جواهری و فقه پویا که در سخنان گران‌مایه امام خمینی<sup>ره</sup> بدان گوشزد شده، به دو اصل اساسی در اجتهاد و فقاہت اشاره دارد. اصل اول آن است که فقه و اجتهاد، نباید از حدود و مرزهای متداول در حوزه‌های علمیه - که همان تکیه بر قرآن و سنت است - خارج گردد. نباید برداشت‌های برون‌فقهی را بر استنباط و اجتهاد تحمیل کرد، بلکه باید موازین مسلم و رایج در فهم قرآن و سنت را مبنای قرار داد و ذره‌ای از آن عدول نکرد. و این، همان فقه جواهری است. از سوی دیگر، نباید به ورطه اخباریگری و جمود در فهم و استنباط افتاد؛ زیرا فقه برای انسان و زندگی او در همه عصرها و نسل‌هاست.

فقه می‌باید در متن زندگی و جلودار آن باشد. برداشت‌هایی که فقه را قرون وسطایی، غیر قابل اجرا، مخالف تمدن و فن‌آوری معرفی می‌کنند، به سود فقه نیست. پس باید باب اجتهاد به معنای حقیقی‌اش باز باشد و فقیه در زمان و مکان حضور داشته باشد تا بتواند حضور فقه را در متن زندگی تضمین کند و این، معنای پویایی فقه است.

سلسله مباحث «فقه و زندگی» بر پایه این اصول و اصولی دیگر از این دست، شکل گرفته است و به موضوعاتی می‌پردازد که امروزه، مورد پرسش جدی قرار گرفته و یا از پدیده‌های نوین در زندگی امروزی

به شمار می‌رود.

در هر شماره از این سلسله مباحث، یکی از موضوعات فقهی به بحث گذاشته می‌شود و به سبک اجتهادی بدان می‌پردازد. نخستین موضوع مورد بحث به یکی از مسائل جدی مطرح در اقتصاد نوین، یعنی «ربای تولیدی» اختصاص دارد. بانکداری در اقتصاد نوین، به سان شیرازه‌ای است که بخش‌های مختلف اقتصادی را به هم گره می‌زند و در سیستم بانکداری، مسئله سود (ربح)، امری حیاتی و بنیادی است.

«ربای تولیدی» که اصطلاحی نو برای گونه‌ای از سود در نظام بانکی و یا قرض‌های مشابه آن است، در این نوشتار مورد بحث و بررسی فقهی قرار گرفته است.

از آن‌رو که عصمت، از آن پیامبران و امامان است و جز آنان، کسی از خطا و اشتباه مصون نیست، این قلم نیز خود را در استنباط و اجتهاد، مصون از لغزش نمی‌داند. نقد و انتقاد علمی اهل نظر، می‌تواند در قوت و اتقان این برداشت‌ها مفید باشد.

والحمد لله